



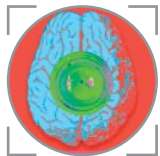
۱۴

آمادگی برای مواجهه با مشکلات جسمانی در پیاده روی اربعین

طب سنتی همقدم زائران

در آستانه ۲۳ مهر، روز عصای سفید

بدون چشم می‌توان دید؟



۱۵

۱۳
جملهزندگی
دوشنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۸ : شماره ۵۵۰۳

از پاکبانی در محرم تا آزادکردن زندانی

۱۶



info@amejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۷

#رمپ-منطقه-۵

هادی از تهران:

شهرداری منطقه ۵ ناحیه ۶ با ساخت رمپ، راه خیابان را به پیاده‌روی غربی خیابان برادران رحمانی باز کرده است تا خودروها از طول پیاده‌رو گذشته و به پمپ گاز برسند. چند بار به سامانه ۱۸۸۸ شهرداری شکایت کرده‌ام و هر بار پاسخ‌های بی‌ربط داده‌اند. در آخرین پاسخ از من خواسته‌اند به پلیس راهنمایی و رانندگی مراجعه کنم و بخواهم خودروهایی را که وارد پیاده‌رو می‌شوند جریمه کنند. روشن است که هر خرداد ناگوار که برای افراد پیاده در این مسیر روی دهد مسؤول شهرداری است.

#واردات-رقابت

عظیمی از نور:

با توجه به واردات بی‌رویه دولت، بخش خصوصی بسیار ضعیف شده و دیگر توان رقابت با واردات را ندارد.

#جریمه-فوتبال

عبادی از اصفهان:

کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال با جریمه بسیار سنگین بازیکنان و مربیان، درآمدی هنگفت کسب کرده است ولی هیچ اطلاعی از نحوه هزینه‌کرد آن در اختیار نیست. چرا؟

#مواد-شوینده

ایمانی از تهران:

با وجود کاهش قیمت ارز و ثبات در این بازار، ولی بعضی از کالاها مانند مواد شوینده گران شدند. چرا؟

#هواپیما-فرسودگی

دهقان از تهران:

استفاده از هواپیماهای فرسوده در ناوگان هوایی کشور بسیار خطرناک است و هر از گاهی به علت نقص فنی یک هواپیما شاهد تاخیر در پرواز هستیم.

#ترافیک-رمپ

شیخ‌نبی از تهران:

توقف خودروها در رمپ خروجی اتوبان همت شرق به اتوبان صیاد به دلیل ممنوعیت ورود تا قبل از ساعت ۱۹، باعث ترافیک و کندی حرکت خودروهای دیگر می‌شود.

#اتوبوس-تعطیل

تاموراز تهران:

شهرداری و سازمان‌هایی مانند محیط زیست شهروندان را تشویق به استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی می‌کنند، اما در روزهای تعطیل شهروندان به زحمت می‌توانند از اتوبوس استفاده‌کنند، چراکه زمان حرکت آنها مشخص نیست.

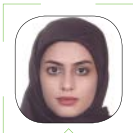
بازخوانی ماجرای نخستین راهپیمایی فضایی در تاریخ فضاءنوردی توسط الکسی لئونف، فضاءنوردی که جمعه ۱۹ مهر ۹۸ چشم از جهان فروبست

معلق در مدار زمین

چهار روز پیش مردی که نخستین بار در فضا به راهپیمایی پرداخت به آسمان پر کشید. الکسی لئونف کسی بود که رویای کیهان‌نوردی را معنا بخشید. امروز به بازخوانی آن ماجرای تاریخی در مدار ۵۰۰ کیلومتری زمین می‌پردازیم

گفت‌وگو با ماه‌جبین مهدویان، هنرمند و کارآفرین کرد که قالبیافی را به صورت رایگان به حدود ۲۰۰۰ نفر آموزش داده است

زندگی پای قالی



فائزه اکبری

جامعه

از چند سالگی مشغول قالبیافی شدید؟

از شش سالگی، یعنی حدود ۳۸ سال پیش بود که با نشستن کنار دست مادرم قالبیافی را یاد گرفتم.

خانواده‌تان همه قالبیاف بودند؟

نه، فقط من و خواهرم و مادرم. پدرم کارگری بود و از نظر مالی خیلی مشکل داشتیم و مجبور بودیم سخت کار کنیم. مادرم در کار خیلی سختگیر بود و این باعث شد قالبیافی را به خوبی از او یاد بگیرم.

شما هم این کار را به فرزندان‌تان آموخته‌اید؟

بله، اکنون ما یک خانواده قالبیاف هستیم و همه اعضا هماهنگ با هم در این شغل فعالیت می‌کنیم. به طوری که هر بخش از کار به عهده یکی از اعضای خانواده است. همسرم کار چله‌کشی را انجام می‌دهد، پسر بزرگ حسابداری می‌کند، عروس‌هایم نخ‌ها را رنگ می‌کنند و پسر کوچک‌کم نیز راننده است و با هم برای آموزش و تحویل فرش‌ها به مناطق مختلف می‌رویم. اما در نهایت، مدیریت همه این کارها با خودم است.

از این همه کار خسته نمی‌شوید؟

ایدا، چون بافتن قالی و آموزش این هنر برای من کارهایی بسیار شیرین هستند. آن قدر که هر روز به شوق یاد دادن هرچه بیشتر به هنرجویانم از خواب بیدار می‌شوم و بیشتر روزها نیز به چند نفر از آنها سر می‌زنم. علاوه بر این، خود قالبیافی را نیز آن قدر دوست دارم که ظهر هر روز که زمان استراحت است و دیگر وقت مناسبی برای سرزدن به شاگردان نیست، مشغول بافتن قالی می‌شوم و به طور میانگین روزی حدود چهار ساعت فقط می‌بافم.

در دوران کودکی هم این کار را دوست داشتید؟

بله، آن موقع هم به قالبیافی علاقه داشتم. البته آن ايام به خاطر شرایط سخت خانوادگی بیشتر ناچار بودم که برای کمک به پدر و مادرم قالبیافی کنم و به همین خاطر بعضی مواقع قالبیافی برابم سخت و حتی تلخ می‌شد، اما الان که به آن روزها فکر می‌کنم، می‌بینم همه آن سختی‌هایی که کشیده‌ام، دلیل اصلی موفقیت امروز من است.

در کودکی در کنار کار تحصیل را هم دنبال کردید؟

بعضی آدم‌ها هر چقدر هم زندگی پر آنها سخت بگیرد، نه تنها ناامید نمی‌شوند، بلکه می‌کوشند از میان همه سختی‌ها، روزنه‌ای برای موفقیتشان بگشایند. ماه‌جبین مهدویان، یکی از همین انسان‌هاست. زنی هنرمند از دیار کهن قزو به در استان کردستان که از کودکی تا امروز دست‌هایش به دار قالی بوده و آثار متعددی را در طول ۳۸ سال فعالیت از خود به جای گذاشته است. ماه‌جبین، استادی است که هر روز به شوق آموزش هرچه بیشتر هنرجویانش از خواب بیدار می‌شود و تا امروز با سرزدن به شهرها و استان‌های مختلف، قالبیافی را به حدود ۲۰۰۰ هنرجو آموخته است.

بله، البته فقط تا مقطع سیکل درس خواندم. چون در زمان ما درس خواندن اهمیت زیادی نداشت و حتی در بعضی خانواده‌ها کار کردن مهم‌تر از درس خواندن بود. متأسفانه خانواده ما هم از این نوع خانواده‌ها بود و به همین دلیل مهم‌ترین حسرتی که از آن زمان در دلم باقی مانده، حسرت ادامه تحصیل است.

چه شد که فکر آموزش قالبیافی به ذهن‌تان رسید؟

از همان بچگی به آموزش قالبیافی فکر می‌کردم، اما جرقه اصلی این موضوع سال ۸۴ به ذهنم رسید، آن هم بعد از این که همسرم ورشکست شد، زیرا دیدم با این کار می‌توانم شرایط اقتصادی بهتری را برای خانواده خودم و دیگر افراد فراهم کنم.

کار آموزش قالبیافی را چطور شروع کردید؟

من این کار را کاملاً از صفر شروع کردم. یعنی هیچ سرمایه‌ای نداشتم، اما با قرض گرفتن توانستم وسایلی را اجاره کنم تا با استفاده از آن قالبیافی را به دیگران یاد بدهم. برای این کار آموزش را به شوق آموزش هرچه بیشتر هنرجویانش خیر، من به شهرها و استان‌های مختلف سفر می‌کنم و در هر منطقه حداکثر دو روز وقت می‌گذارم و فوت و فن اصلی کار را به هنرجویان یاد می‌دهم. آنها هم اگر خودشان دوست داشته باشند با من همکاری می‌کنند. شیوه آموزش هم به این صورت است که یک فرش آموزشی را همراه خودم می‌برم و بعد از آموزش آن را برمی‌گردانم. برای این آموزش هم هیچ پولی از هنرجویان نمی‌گیرم.

یعنی به صورت رایگان آموزش می‌دهید؟

من به هر کسی که بخواهد یاد بگیرد، بدون دریافت هزینه آموزش می‌دهم. این قولی است که به خدا و خودم داده‌ام تا از این راه بتوانم به ایجاد منبع درآمد برای افراد بی‌بضاعت کمک کنم. البته هر کدام از هنرجویان اگر مایل باشند، می‌توانند با من همکاری کنند. به این صورت که وسایل شروع کار را برایشان

سرطان هم مانع پیشرفت حوا نشد

بعضی وقت‌ها یک اتفاق می‌شود نقطه عطف زندگی آدم‌ها و مسیر زندگی‌شان را به دو قسمت قبل و بعد از آن تقسیم می‌کند. برای حوا منصور، بانوی ۶۴ ساله اهل شهرستان گالیکش استان گلستان، این اتفاق مرگ همسرش در هفت سال پیش در اثر بیماری سرطان بود. این زن خانه‌دار که تا پنجم ابتدایی نیز بیشتر درس نخونده بود، از آن روز شد سرپرست خانوار و تحت پوشش کمیته امداد قرار گرفت و ناچار شد به تنهایی بار مشکلات زندگی را بر دوش بکشد. با مرگ همسر، حوا تنها شد، اما فهمید که هیچ زمانی برای رویاپردازی دیر نیست. از آن روز بود که شروع کرد به پروراندن رویاهای دور و دراز و کم‌کم عرق‌گیری از گیاهان دارویی را آغاز کرد و رفته رفته کارش را توسعه داد، آن قدر که امروز قسمتی از خانه‌اش را به کارگاه تولید و فروش عرقیات گیاهی اختصاص داده است و بعضی روزها از تعداد

با هزینه خودم می‌فرستم، تا آنها در ابتدا یک فرش ۲۰۰ گرهی ساده برابم بیاهند. بعد هم پسرم دستمزد هنرجویان را که حدود ۴۰۰ هزار تومان می‌شود، برایشان می‌فرستد و خود فرش را نیز برای فروش به نمایندگی‌هایمان ارسال می‌کنیم. به این صورت هم منبع درآمدی برای هنرجویان ایجاد می‌شود و هم خود ما کسب درآمد می‌کنیم. با این روش تا امروز حدود ۲۰۰۰ هنرجو را آموزش داده و در شهرهایی مثل همدان، سنندج و کرمانشاه نمایندگی فروش دایر کرده‌ام.



کارآفرینی کرد؛ امیدواری به آینده، انگیزه در هم شکستن غول سرطان و شناخت نسبی‌اش به گیاهان دارویی؛ شناختی که از همان دوران کودکی در او وجود داشت و همین مساله برایش به امتیازی بزرگ در این کار تبدیل شد. این زن کارآفرین، کارگاه تولید عرقیاتش را ابتدا فقط با پنج میلیون تومان سرمایه راه انداخت، اما این روزها بازاریش آن قدر رونق گرفته که مشتری‌های زیادی از نقاط مختلف ایران به دنبال عرقیات گیاهی او می‌آیند؛ مشتری‌هایی که بعضی روزها تعدادشان از ۳۰ نفر نیز بیشتر می‌شود و همگی آوازه محصولات باکیفیت این بانوی گلستانی را از زبان دوستان و اطرافیان خود شنیده‌اند. این روزها آثار بیماری به طور کامل در جسم و روح حوا از بین رفته و در کارگاهش با ۴۸ نوع عرقیات گوناگون گیاهان دارویی روی همه مشتری‌ها باز است.

ایستاده

در برابر مشکلات

موفقیت زنان کارآفرین نه تنها از لحاظ اقتصادی برای آنها مفید است، بلکه منافع بسیاری را نیز برای جامعه در پی دارد؛ زیرا وقتی به زن به عنوان نیرویی فعال و موتور رشد نگاه شود، نیمی از جامعه می‌تواند با انگیزه‌ای مضاعف به فعالیت بپردازد که این موضوع تأثیر بسزایی نیز در پویایی اقتصادی کشور به همراه خواهد داشت.

بنابراین توجه هرچه بیشتر به توانمندسازی زنان و حمایت از بانوان کارآفرین اثرات مثبتی را در جامعه ایجاد خواهد کرد. با این حال، تجربه نشان داده است که بعضی از زنان، حتی وقتی هیچ حمایتی از آنها صورت نمی‌گیرد و در تنگنا و مشکلات مختلفی قرار گرفته‌اند، بازهم دست از تلاش برنمی‌دارند و برای خود و دیگر بانوان اشتغالزایی می‌کنند.

ربابه دهقان، یکی از همین زنان است. بانویی اهل روستای شرقل شهرستان قزو که با وجود همه سختی‌ها، روی پای خودش ایستاده است و زمانی که در شرایط دشوار مالی قرار داشت، تصمیم گرفت دست به کاری بزند تا مسیر زندگی‌اش را عوض کند. این اتفاق در حالی افتاد خیلی‌ها ربابه را با سه فرزند تنها گذاشته بودند و همسرش نیز ناچار بود برای کسب لقمه‌ای نان از روستایشان به پایتخت مهاجرت کند.

ربابه ۴۶ سال دارد، به قول خودش ۴۶ سال مفید که از کودکی تا امروز حتی یک لحظه از عمرش را تلف نکرده و سراسر زندگی‌اش به کار و تلاش مشغول بوده است. با این همه وقتی بعد از سال‌ها تلاش به جایی نمی‌رسد و زندگی هر روز بیشتر از دیروز برای او و خانواده‌اش سخت‌تر می‌شود، تصمیم می‌گیرد دست به کاری نو بزند و با وام و قرض و فروش چند گوسفند، باغی کوچک بخرد تا در آن هم کار کند. هم زندگی. این بانوی کارآفرین معتقد است مهم‌ترین نکته‌ای که زنان را به موفقیت می‌رساند، این است که به خود و مهارت‌هایشان باور داشته باشند و بعد از هر راهی که می‌شناسند، بسترهای کسب درآمد را فراهم کنند.

او در این زمینه خود را مثال می‌زند و می‌گوید: «من خود شرایط و بسترهای لازم را برای کسب درآمد فراهم کردم. الان هم که چند سال از باغداری‌ام می‌گذرد، دایم در فکر باغ و محصولاتم هستم. صبح‌ها سماور را برای فرزندانم روشن می‌کنم و می‌روم دنبال کار تا بتوانم زندگی‌ام را بچرخانم.»

ربابه در هفت سال گذشته درخت‌های فراوانی در باغش کاشته است که محصولات بسیاری برایش به ارمغان می‌آورد. او بخشی از باغش را نیز به کاشت گوجه و خیار اختصاص داده و اتفاقاً مهم‌ترین منبع درآمدش نیز همین بوته‌ها است؛ چرا که ربابه بعد از برداشت این گیاهان، آنها را به رب و خیارشور خانگی تبدیل و بعد به بازار عرضه می‌کند؛ محصولاتی باکیفیت که اتفاقاً مشتریان بسیاری نیز در روستاهای مختلف شهرستان قزو دارد.